

افراط‌گرایی معاصر در اندونزی و واکنش به آن (۱۹۹۷-۲۰۲۲)

سید محسن میری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۵

چکیده

پدیده‌ی افراط‌گرایی اسلامی معاصر در بازه‌ی زمانی ۱۹۹۷ تا ۲۰۲۲ یکی از چالش‌های بنیادین اندونزی بوده است که این کشور را با بحران‌های سیاسی، اجتماعی و امنیتی متعددی مواجه ساخت. در این دوره، طیف گسترده‌ای از گروه‌های افراطی ظهور کردند که خاستگاه، رشد و کشش‌گری آن‌ها متأثر از عوامل متنوعی همچون سرکوب طرفداران اسلام سیاسی و اسلام‌گرایان، فقر اقتصادی، ضعف ساختاری دولت در حل تعارضات، تفسیر خشونت‌محور از متون دینی، حضور استعمار، گسترش شبکه‌های فراملی و جهانی‌شدن افراط‌گرایی و... بود. گرچه واکنش‌های دولت، نهادهای مدنی، جامعه‌ی دینی و عموم مردم، به‌ویژه در مقایسه با سایر کشورهای مسلمان‌نشین، موجب شد اندونزی تا حد زیادی از تبعات ویرانگر این جریان در امان بماند، با این حال، چالش‌هایی چون استمرار فعالیت برخی نهادهای آموزشی با گرایش‌های افراطی، کاهش نفوذ و اقتدار جریان‌های اسلامی میانه‌رو، و خلأهای موجود در سیاست‌گذاری فرهنگی و دینی، همچنان خطر بازتولید افراط‌گرایی را در این کشور زنده نگاه می‌دارد. این مقاله با رویکرد توصیفی-تحلیلی و به شیوه‌ی کتابخانه‌ای، در پی واکاوی زمینه‌ها و ریشه‌های شکل‌گیری افراط‌گرایی اسلامی معاصر در اندونزی، تحولات تاریخی آن، ویژگی‌ها و عملکرد برجسته‌ترین گروه‌های افراطی، عوامل تاب‌آوری نسبی اندونزی در برابر این جریان، راهکارهای موجود برای مهار آن، و نیز چشم‌انداز آینده‌ی افراط‌گرایی در این کشور است.

کلیدواژه‌ها: افراط‌گرایی، اندونزی، دارالاسلام، سوهارتو، دوره معاصر.

۱. مقدمه

اگرچه ظهور افراط‌گرایی اسلامی معاصر در اندونزی در شکل نوین خود از سال ۱۹۹۷ - هم‌زمان با فروپاشی رژیم سوهارتو - آغاز شد و با خلأ قدرت ناشی از سقوط این رژیم، ابعاد گسترده‌تری یافت، اما ریشه‌های تاریخی این پدیده را می‌توان در دوران ورود استعمار هلند و مبارزات مسلمانان علیه آن جست‌وجو کرد. (Muzakki,

2014:5; Sukabdi, 2023:10-11)

در آغاز سده نوزدهم، بازگشت شماری از علمای اندونزی از سرزمین حجاز - که تحت تأثیر آرمان‌های جنبش وهابی قرار گرفته بودند - و شکل‌گیری جنبشی موسوم به «پادری»، همراه با افتتاح کانال سوئز در سال ۱۸۶۹ و تقویت ارتباطات میان علمای اندونزی و حجاز، بستر شکل‌گیری گرایش‌های خشونت‌طلبانه‌ای را در میان بخشی از مسلمانان این منطقه فراهم آورد. پادری‌ها با تکیه بر شیوه‌هایی تندروانه، به دنبال اصلاح دینی جامعه و طرد رسوم بومی غیر اسلامی در منطقه مینانگ‌کابانو^۱، واقع در غرب سوماترا، بودند و سعی در اجرای مستقیم شریعت اسلامی داشتند. آن‌ها نه تنها با مظاهر فرهنگی همچون قمار، استعمال مواد مخدر و جنگ خروس‌ها مقابله کردند، بلکه حتی با رهبران دینی‌ای که از روش‌های مسالمت‌آمیز برای اصلاح جامعه استفاده می‌کردند نیز درگیر شدند، روستاهایی را به آتش کشیدند، به غارت دست زدند و برخی عالمان دینی را کشتند.

این جنبش، علاوه بر جنبه‌های اصلاح‌گرایانه‌ی خود، نقش فعالی در مبارزه با استعمار ایفا کرد و با همکاری مدارس دینی سنتی (پسانترن)، جماعت‌های طریقتی و صوفیانه، بازرگانان مسلمان و برخی نخبگان محلی، ضرباتی جدی بر پیکره استعمار هلند وارد ساخت. به همین دلیل، برخی رهبران آن همچون «امام بنجل» در حافظه تاریخی اندونزی به عنوان قهرمانان ملی جای گرفتند.

این‌گونه تلاش‌ها علیه استعمار تا قرن بیستم ادامه یافت، در حالی که در همین دوره، جنبش‌های سازمان‌یافته‌تری نیز پدید آمدند؛ از جمله «سازمان شرکت اسلام»^۲ که افزون بر پیگیری هدف استقلال سیاسی، بر استقرار عدالت اجتماعی و ترویج ناسیونالیسم در میان مسلمانان اندونزی نیز تأکید داشت (Ahmad, 2019: 248-249; Sukabdi, 2023:10-11) (نور، ۱۳۷۰: ۳۷-۳۵؛ لاپیدوس، ۱۳۷۶: ج ۱، ۶۲۶؛ ج ۲، ۲۵۸-۲۶۰).

¹ Minangkabau.

² Syarikat Islam (SI)

۲. بیان مسأله

با اشغال اندونزی توسط ژاپن (۱۹۴۲-۱۹۴۵)، دولت اشغالگر با سازمان‌دهی و آموزش نظامی و سیاسی علما، همه گروه‌های اسلامی را در ساختاری موسوم به ماشومی (مجلس شورای مسلمانان اندونزی)^۱ تجمیع کرد. پس از اعلام استقلال در اوت ۱۹۴۵ و تلاش مجدد هلند برای بازپس‌گیری قدرت، مسلمانان مبارز تحت رهبری علما در کنار گروه‌های سکولار و ناسیونالیست، به مقابله با استعمار پرداختند.

(Bruinessen, 2009, 1-2).

با این حال، اختلاف‌نظرهای بنیادینی که پیش‌تر میان اسلام‌گرایان و سکولارها شکل گرفته بود، به ریشه‌های خشونت‌های پسین دامن زد. شخصیت‌هایی چون آگوس سلیم، ا. حسن، محمد نصیر، کارتوسویرجو و داود بورویه به‌عنوان نمایندگان گفتمان اسلام‌گرا، گاه خواهان استقرار دولت بر پایه‌ی شریعت بودند، در حالی که رهبران سکولار چون سوکارنو، سوپومو و هاتا بر ایجاد جمهوری سکولار مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی مشترک در جامعه‌ی چندقومیتی و چندمذهبی اندونزی تأکید داشتند. (Nasution, 2021, 4; Muzakki, 2014, 8).

در سال ۱۹۴۸، زمانی که جمهوری خواهان در توافقی با هلند، منطقه جاوه غربی را به آن کشور واگذار کردند، بخشی از مبارزان اسلام‌گرا از آن‌ها جدا شده و در سال بعد، با اعلام تأسیس دولت اسلامی موسوم به «دارالاسلام»^۲ یا دولت اسلامی اندونزی در همان منطقه، کنترل بخش‌هایی از استان‌های سولاوسی جنوبی و آچه را نیز در اختیار گرفتند. دارالاسلام به‌عنوان رقیب اصلی دولت مرکزی، با حدود ۱۵۰۰۰۰ چریک مسلح، حتی برای ترور سوکارنو تلاش کرد. در واکنش، دولت در سال ۱۹۶۲، رهبر اصلی این جنبش، کارتوسویرجو، را دستگیر و اعدام کرد. (Bruinessen, 2009, 2-3).

هرچند جنبش دارالاسلام با کشته شدن رهبر آن در استان سولاوسی در سال ۱۹۶۵، به‌ظاهر به پایان حیات خود نزدیک شد، اما این جنبش تا سال ۱۹۷۴ به‌صورت مخفیانه به بازسازی ساختار، جذب نیرو و تقویت فعالیت‌های خود ادامه داد، بی‌آن‌که رهبری مشخص و رسمی برای آن تعیین شود. در آن سال، شورایی به ریاست داود بیورویه

^۱ Masyumi (Majelis Syura Muslimin Indonesia)

^۲ DI(Darul Islam)

شکل گرفت که مجدداً بر ضرورت تشکیل دولت اسلامی تأکید داشت. از ۱۹۷۹ تا اوایل دهه ۱۹۹۰، شماری از اعضای این گروه به دلیل اقدامات خشونت‌آمیز نظیر هواپیما ربایی بازداشت شدند، اما شبکه‌های زیرزمینی همچنان به جذب نیرو ادامه دادند. گروه «کوماندو جهاد» نیز که در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ فعالیت‌های تروریستی داشت، شاخه‌ای از همین جریان محسوب می‌شود. (Sukabdi, 2023, 13-14; Bruinessen, 2009, 8-11).

پس از مرگ داود بیورویه در سال ۱۹۸۷، دارالاسلام به دو جناح اصلی تقسیم شد: «مجاهدین فی‌الله» و «مجاهدین فی سبیل‌الله». اما با ترور برخی رهبران جناح اول به دست جناح دوم، مجاهدین فی‌الله تضعیف شد و جناح دوم به پنج شاخه منطقه‌ای تقسیم شد. عبدالله سونگکار و آجنگان ماسدوکی رهبری دو شاخه مهم را بر عهده داشتند که به اعزام مجاهدان به افغانستان و آموزش‌های نظامی می‌پرداختند. سونگکار به‌همراه ابوبکر باعشیر، پس از شرکت در فعالیت‌های ضد سوهارتو، به مالزی گریختند و در سال ۱۹۹۱ با تأسیس مدرسه «لقمان‌الحکیم» در جوهور، فعالیت‌های ایدئولوژیک و سازمانی خود را ادامه دادند. (Sukabdi, 2023, 16).

در دوره سوکارنو، گروه‌های اسلام‌گرای دیگری چون نهضت‌العلماء^۱ و سازمان ماشومی نیز فعال بودند. ماشومی که گرایشی اصلاح‌طلبانه داشت، عمدتاً متشکل از تحصیل‌کردگان مدرن بود. این سازمان در آغاز، روابطی نزدیک و همسو با سوکارنو، رئیس‌جمهور نوپای اندونزی، برقرار کرده بود؛ اما با گرایش تدریجی سوکارنو به همکاری با کمونیست‌ها، این رابطه به تدریج تیره شد و به تعارض‌ها و گاه به تقابل‌هایی خشونت‌آمیز نیز کشیده شد. در سال ۱۹۵۷، زمانی که سوکارنو با طرح شعار «دموکراسی هدایت‌شده» به‌عنوان جایگزینی برای الگوی دموکراسی غربی، خواستار همراهی تمامی جریان‌های سیاسی شد، سازمان ماشومی نه تنها از همکاری با او سر باز زد، بلکه شماری از رهبران آن در شورشی علیه دولت - که از حمایت سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) برخوردار بود - مشارکت کردند. در واکنش، سوکارنو ابتدا مجلس مؤسسان را منحل و نهادی جایگزین تأسیس

^۱ Nahdlatul Ulama (NU)

این سازمان که در سال ۱۹۲۶ تأسیس شد، عمدتاً در ریشه در حومه شهرها و مناطق روستایی اندونزی دارد و دارای رویکرد سنتی بوده و در حال حاضر گفته می‌شود که ۶۰ میلیون عضو دارد. شبکه روحانیت سنتی (کیایی‌ها) و مدارس شبانه روزی دینی اندونزی (پسانترن‌ها) تحت تأثیر جدی این سازمان هستند.

کرد که فاقد حضور نمایندگان ماشومی و برخی احزاب مخالف دیگر بود، و سپس در سال ۱۹۶۰، موجودیت سازمان ماشومی را غیرقانونی اعلام کرد و در نهایت، در سال ۱۹۶۲، رهبران آن را بازداشت و زندانی ساخت. (Bruinessen, 2009, 3-4).

پس از وقایع سال‌های ۱۹۶۵-۱۹۶۶ و قدرت‌گیری سوهارتو، اگرچه رهبران ماشومی آزاد شدند، اما این سازمان اجازه فعالیت سیاسی نیافت. اعضای آن به دو شاخه تقسیم شدند: یکی به رهبری محمد نصیر که تمرکز خود را بر تبلیغ اسلامی، مقابله با نفوذ مسیحیان و تأسیس «شورای تبلیغات اسلامی اندونزی»^۱ (۱۹۶۷) گذاشت که مورد حمایت عربستان سعودی نیز بود و نقش مؤثری در ظهور جریان‌های تندرو داشت؛ و شاخه‌ای دیگر که با حمایت فکری از دولت سوهارتو، در پی سیاست‌زدایی از اسلام و ترویج گفتمان اسلام لیبرال بود. (Bruinessen, 2009, 4-5; Muzakki, 2014, 8-9).

بر اساس آنچه گذشت، می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین چالش‌های اندونزی در دوره معاصر - همانند بسیاری از کشورهای اسلامی - ظهور پدیده افراط‌گرایی اسلامی بوده است؛ پدیده‌ای که این کشور را با آسیب‌ها و بحران‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی و امنیتی مواجه ساخت.

با این حال، واکنش‌های چندلایه و متنوع دولت، نهادهای اسلامی غیردولتی و مشارکت فعال مردم، موجب شد اندونزی تا حد زیادی از پیامدهای ویرانگری که برخی کشورهای مسلمان‌نشین با آن مواجه شدند، در امان بماند. با وجود این، خطر بازگشت مجدد افراط‌گرایی همچنان به‌عنوان تهدیدی بالقوه پابرجاست.

طبیعتاً پرسش اصلی پژوهش نیز در همین چارچوب شکل می‌گیرد و ناظر بر این است که: چه عوامل زمینه‌هایی موجب شکل‌گیری و استمرار افراط‌گرایی اسلامی در اندونزی شده و این کشور چگونه توانسته است در برابر گسترش آن، تاب‌آوری نسبی از خود نشان دهد؟

۳. پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، مقالات متعددی به‌صورت مستقل به بررسی پدیده افراط‌گرایی دینی در اندونزی پرداخته‌اند. از جمله می‌توان به مقاله «از صوفی‌گری تا افراطی‌گری: افراط‌گرایی دینی در اندونزی و تأثیر آن بر سنت‌گرایان صوفی مسلک» (ربانی، ۱۳۹۴) اشاره کرد. نویسنده در این مقاله نشان می‌دهد که افراط‌گرایی در اندونزی چگونه

¹ Dewan Dakwah Islamiyah Indonesia (DDII)

بر جریان‌های سنت‌گرای صوفی مسلک — که عمدتاً رویکردی ضد وهابی داشتند — تأثیر گذاشته و زمینه‌ساز گرایش برخی از آن‌ها به جریان‌های سلفی و افراطی شده است. وی همچنین به تحلیل برخی عوامل مؤثر در این دگرگونی پرداخته است.

مقاله دیگری با عنوان «ظهور اسلام‌گرایی رادیکال در اندونزی» (خادمی، ۱۳۹۳) نیز به بررسی شاخصه‌های اسلام‌گرایی رادیکال، ریشه‌ها و عوامل گسترش آن، و نیز برخی از راهکارهای مقابله با این پدیده اختصاص دارد. آن‌چه پژوهش حاضر را از مطالعات پیشین متمایز می‌سازد، رویکرد جامع و تحلیلی آن به مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی مؤثر در پیدایش و گسترش افراط‌گرایی اسلامی معاصر در اندونزی از گذشته تا زمان حاضر است. افزون بر این، در این نوشتار، دلایل تاب‌آوری نسبی اندونزی در برابر این پدیده و نحوه مواجهه دولت، نهادهای غیردولتی و جامعه مدنی با افراط‌گرایی مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش حاضر، ضمن ارائه راهکارهایی برای مهار این جریان، چشم‌انداز آینده افراط‌گرایی در اندونزی را نیز تحلیل می‌کند. همچنین، یکی از ویژگی‌های برجسته این تحقیق، ارائه شناختی دقیق از مهم‌ترین گروه‌های افراط‌گرای فعال و تحلیل فعالیت‌های آن‌ها تا سال ۱۴۰۲ هجری شمسی (۲۰۲۳ میلادی) است؛ امری که کمتر در مطالعات پیشین مورد توجه جامع قرار گرفته است.

۴. روش پژوهش

روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی با رویکرد اکتشافی است و بر تحلیل محتوای متون، اسناد تاریخی، گزارش‌های میدانی و مطالعات ثانویه درباره افراط‌گرایی اسلامی در اندونزی استوار است. داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای، اسناد دولتی، گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی و تحقیقات دانشگاهی گردآوری شده‌اند. برای استخراج یافته‌ها، اسناد بر اساس مفاهیم کلیدی دسته‌بندی، با مطالعات پیشین تطبیق، و از طریق منابع تاریخی، داده‌های آماری و گزارش‌های تحلیلی اعتبارسنجی گردیده‌اند.

تمرکز این پژوهش بر تحلیل زمینه‌ها و عوامل پیدایش این پدیده، بررسی تحولات تاریخی و ساختاری آن، معرفی و ارزیابی مهم‌ترین گروه‌های افراطی، واکاوی علل تاب‌آوری نسبی اندونزی در برابر این جریان، و ارائه راهکارهایی برای کنترل آن است. در نهایت، چشم‌انداز آینده افراط‌گرایی در این کشور نیز مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. این پژوهش افراط‌گرایی اسلامی در اندونزی را واکنشی به بحران ناشی از تعارض ساختارهای اجتماعی

- سیاسی با انتظارات فرهنگی - دینی می‌بیند. این رویکرد امکان شناسایی منشأ بحران، تحلیل راهکارهای پیشنهادی گروه‌ها و تبیین تاب‌آوری نسبی اندونزی در برابر رادیکالیسم را فراهم کرده است.

۵. یافته‌های پژوهش

۵/۱. علل پیدایش رادیکالیسم اسلامی در دوره معاصر

۵/۱/۱. علل داخلی

الف. سرکوب سیاسی اسلام‌گرایان و طرفداران اسلام سیاسی

یکی از اصلی‌ترین عوامل داخلی در شکل‌گیری رادیکالیسم اسلامی در اندونزی، سرکوب اسلام‌گرایان از دوره سوکارنو تا اوایل حکومت سوهارتو بود. سیاست‌های سخت‌گیرانه دولت سوکارنو، نیروهای اسلام‌گرا را به حاشیه راند و بخشی از آنان را به پیوستن به جنبش‌هایی چون «دارالاسلام» سوق داد. تداوم این سرکوب در آغاز دوره سوهارتو (۱۹۶۶ تا ۱۹۶۹)، موجب دستگیری، تبعید یا مهاجرت اجباری بسیاری از فعالان اسلام‌گرا شد و زمینه ایجاد شبکه‌های مخفی و رادیکال را فراهم آورد. وی با نفی اسلام سیاسی، تلاش کرد سلطه کامل دولت را بر جامعه مدنی و نیروهای اجتماعی تثبیت کند (Bruinessen, 2008: 188-192; Noor, 2001: 4-5; International Crisis Group, 2002: 3).

در این دوره، شمار زیادی از اعضای این گروه‌ها بدون طی روند قضایی دستگیر یا تبعید شدند. عده‌ای از چهره‌های کلیدی جماعت اسلامی به خارج از کشور گریختند و فعالیت‌های خود را در تبعید ادامه دادند. آن دسته که در اندونزی باقی ماندند، عمدتاً به صورت مخفیانه، به‌ویژه در پیرامون دانشگاه‌های شهرهای بزرگ سازمان یافتند و شبکه‌هایی پنهان و رادیکال را پایه‌گذاری کردند (Radical Islam in Indonesia, 2023).

ب. فقر و نابرابری اقتصادی

بحران‌های مزمن دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰، تورم شدید و فساد ساختاری دولت، در نهایت با بحران مالی آسیا در سال ۱۹۹۷ تشدید شد و سقوط سوهارتو را رقم زد. این شرایط، بخش‌هایی از جامعه را به سوی اعتراض و گرایش به رویکردهای افراطی سوق داد (Schwarz, 1994: 52-57; Ramakrishna, 2002).

ج. ضعف ساختاری دولت در حل تعارضات و اجرای قانون

یکی دیگر از عوامل داخلی، ناتوانی ساختاری دولت در مدیریت تعارضات اجتماعی، قومی و مذهبی بود. به‌ویژه پس از سقوط سوهارتو، کاهش اقتدار دولت مرکزی، خلأ قدرت در مناطق مختلف و عدم مداخله مؤثر در بحران‌های امنیتی، موجب گسترش فضا برای رشد گروه‌های افراطی شد.

د. همبستگی دینی و واکنش به مظلومیت مسلمانان در عرصه جهانی

حوادثی که در فلسطین، بوسنی، چین و عراق برای مسلمانان اتفاق افتاد، احساس همبستگی دینی را در میان مسلمانان اندونزی تقویت کرد. موضع منفعلانه دولت نسبت به این رخدادها، نارضایتی بخشی از جامعه اسلامی را تشدید و گرایش به رادیکالیسم را تسهیل نمود (Muzakki, 2014: 5-6).

ه. ناکامی گروه‌های تندرو در جلب حمایت مردمی

شکست احزاب و گروه‌های اسلام‌گرای افراطی در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۹ نیز ضربه‌ای سیاسی به آن‌ها وارد کرد. این ناکامی موجب سرخوردگی از مسیرهای دموکراتیک و تقویت تمایل به روش‌های خشونت‌بار و رادیکال برای تحقق اهداف سیاسی شد.

و. ارتباط با شبکه‌های فراملی افراط‌گرا

برخی گروه‌های تندرو در اندونزی با جریان‌های افراطی عرب‌تبار و شبکه‌های فراملی جهادی در ارتباط بودند. این روابط، امکان انتقال منابع مالی، ایدئولوژی و آموزش نظامی را برای آنان فراهم ساخت و در انسجام و توانمندسازی این گروه‌ها نقش کلیدی ایفا کرد.

ز. تفسیر خشونت‌محور از متون دینی

در نهایت، گسترش تفسیرهای افراطی و خشونت‌آمیز از متون دینی اسلامی، که عمدتاً در برخی مدارس دینی سنتی (پسانترن‌ها) و از طریق مبلغان سلفی و خطبای تکفیری رواج یافت، مبنایی فکری برای توجیه خشونت دینی فراهم آورد. انتشار گسترده آثار افراط‌گرایان، استفاده از شبکه‌های اجتماعی و نفوذ در مراکز دینی، نقش مهمی در اشاعه این نگرش ایفا کرد (Muzakki, 2014; Radical Islam in Indonesia, 2023).

۵/۱/۲. علل خارجی

۱۸ الف. تجربه استعمار طولانی پرتغال و هلند در اندونزی

یکی از مهم‌ترین زمینه‌های تاریخی پیدایش رادیکالیسم اسلامی در اندونزی، تجربه استعمار پرتغال و به‌ویژه هلند بود. سلطه طولانی استعمار نه تنها استثمار اقتصادی به همراه داشت، بلکه موجب شکل‌گیری مقاومت دینی و جهادی شد؛ میراثی که در گفتمان گروه‌های افراطی معاصر بازتولید گردید (Sukabdi, 2023: 10-11).

ب. نفوذ ایدئولوژی‌های تندرو از غرب آسیا

آموزه‌های سلفی و وهابی که در دهه‌های اخیر وارد اندونزی شد، با ارائه قرائت‌های سخت‌گیرانه و تکفیری از اسلام، زمینه مشروعیت‌بخشی به خشونت، به‌ویژه در میان جوانان و دانش‌آموختگان برخی مدارس دینی سنتی را فراهم آورد.

ج. حمایت‌های مالی دولت عربستان سعودی

حمایت‌های مالی دولت عربستان سعودی از مدارس و مؤسسات دینی اندونزی، ضمن ترویج آموزه‌های وهابی، به تقویت زیرساخت‌های فکری و لجستیکی جریان‌های رادیکال یاری رساند.

د. گسترش شبکه‌های فراملی و جهانی شدن افراط‌گرایی

توسعه فناوری اطلاعات و اینترنت، گروه‌های رادیکال اندونزی را به شبکه‌های تروریستی جهانی مانند القاعده، داعش و جبهه النصره متصل ساخت. این ارتباطات، انتقال آموزه‌های افراطی، آموزش نظامی، منابع مالی و تجربه‌های میدانی را تسهیل کرد و تهدیدات امنیتی کشور را ابعاد تازه‌ای بخشید (Muzakki, 2014: 7; Bruinessen, 2009: 5-6).

۶. مهم‌ترین گروه‌های خشونت‌طلب معاصر (۱۹۹۷-۲۰۲۲)

پس از سقوط سوهارتو در سال ۱۹۹۸، آزادی زندانیان سیاسی و بازگشت برخی اسلام‌گرایان از تبعید، فضا برای فعالیت جریان‌های مختلف فراهم شد. در این دوره، طیفی از سازمان‌ها شکل گرفتند؛ برخی مانند «حزب عدالت» رویکردی میانه‌رو داشتند و توانستند حمایت اقشار دانشگاهی و تحصیل‌کرده را جلب کرده و در فرآیندهای انتخاباتی مشارکت داشته باشند، اما در کنار آنان، گروه‌های تندرو نیز ظهور یافتند که به اقدامات خشونت‌آمیز دست زدند. گزارش‌ها حاکی است که در سال ۱۹۹۹ بیش از ۲۰ گروه افراطی فعال بودند و تا سال ۲۰۰۴ این تعداد افزایش یافت. با وجود تفاوت‌ها، این گروه‌ها در مواردی همچون خواست اجرای شریعت

اسلامی، مخالفت با نفوذ غرب، استفاده از خشونت برای دستیابی به اهداف سیاسی و الهام‌گیری از جنبش‌های رادیکال غرب آسیا اشتراک نظر داشتند (Fox, 2004: 13-14).
در ادامه به چند نمونه از مهم‌ترین این گروه‌ها اشاره می‌شود:

۶/۱. کوماندو جهاد^۱

گروه «کوماندو جهاد» در دهه ۱۹۷۰ و در دوران زمامداری سوهارتو شکل گرفت و از سال ۱۹۷۵ اقدام به عملیات‌های خشونت‌آمیز کرد. به گفته برخی منابع، این گروه توسط علی مورتوپو، یکی از افسران سازمان اطلاعات اندونزی،^۲ تأسیس شد و اگرچه هدف اعلام‌شده‌اش ایجاد یک دولت اسلامی از طریق فعالیت‌های انقلابی بود، اما به باور برخی پژوهشگران هدف آن، شناسایی شبکه‌های شبه‌نظامی و مبارزان «دارالاسلام» توسط دولت بود. این سازمان که عمدتاً متکی بر نیروهای دارالاسلام بود، بعدها مورد حمایت چهره‌هایی چون عبدالله سونگکار، رهبر جماعت اسلامی (JI)، قرار داشت (International Crisis Group, 2005: 6-9).
از جمله عملیات‌های منتسب به این گروه می‌توان به پرتاب نارنجک به محل برگزاری مسابقات قرآن که توسط دولت محلی برگزار شده بود، بمب‌گذاری در بیمارستان مسیحی «ایمانوتل» و مسجد «نورالایمان» در سوماترای غربی و همچنین سرقت از دانشگاه مالانگ به عنوان «فیء» اشاره کرد. یکی از معروف‌ترین عملیات‌های آن‌ها، ربودن هواپیمای شرکت «گارودا» در سال ۱۹۸۱ بود که با کشته شدن پنج هواپیماربا و خلبان پایان یافت (The International Crisis Group, 2005: 11; Jenkins, 2002).

۶/۲. جبهه مدافعان اسلام^۳

«جبهه مدافعان اسلام (FPI)» در سال ۱۹۹۸ به رهبری حبیب محمد رزق بن حسین شهاب، روحانی عرب‌تبار، شکل گرفت. او تحصیلات دینی خود را در مؤسسات آموزشی عربستان سعودی و مدارس وابسته به نهضت العلما گذرانده بود. این سازمان خود را مدافع ارزش‌های اسلامی و اخلاقی در برابر فساد گسترده اجتماعی در اندونزی معرفی می‌کرد. اقدامات اصلی آن شامل حمله به سینماها، باشگاه‌های شبانه، مراکز

^۱KOMJI

^۲BAKIN

^۳FPI

مشروب‌فروشی و فحشا، تبلیغ برای اجرای شریعت اسلامی و برگزاری تظاهرات ضدآمریکایی و ضد دولتی بود. این گروه همچنین در دامن زدن به فضای ضد مسیحی و ضد چینی نقش فعالی داشت (Hardjakusumah, 2012; Dipa, 2017).

این جبهه با بسیج نیروهای شبه‌نظامی تحت عنوان «هیت‌های ضد فسق» و پوشش لباس‌های متحدالشکل، در صحنه‌های اجتماعی حضور پررنگی داشت. این گروه در ابتدا از حمایت برخی مقامات نظامی برخوردار بود، اما با گذر زمان این پشتیبانی را از دست داد. دولت اندونزی در اواخر سال ۲۰۲۰ این سازمان را تهدیدی برای ایدئولوژی ملی اندونزی دانست و آن را متهم به فعالیت‌های غیرقانونی، از جمله برهم زدن نظم عمومی و تروریسم، کرد و با ارائه برخی شواهد مدعی اعلام وفاداری محمد رزق شهاب به گروه داعش شد و در نتیجه این سازمان را منحل کرد. با این همه، به دنبال بمب‌گذاری کلیسای جامع شهر ماکاسار در سال ۲۰۲۱ اعلام شد که برخی از اعضای این سازمان منحل‌شده در این انفجار دست داشته‌اند (Costa, 2020; Fox, 2004: 15).

۶/۳. لشکر جهاد^۱

«لشکر جهاد» در اوایل سال ۲۰۰۰ توسط جعفر عمر طالب، روحانی عرب‌تبار و فارغ‌التحصیل مدارس مختلف دینی در اندونزی، عربستان سعودی، یمن و پاکستان، تأسیس شد. وی در سال ۱۹۸۷ به مجاهدین افغانستان پیوست و با رهبران جهادی از جمله اسامه بن لادن دیدار داشت. در بازگشت به اندونزی در سال ۱۹۹۳، مدرسه دینی «احیاء السنه» را در یوگیاکارتا به عنوان مرکز مذهبی آموزش عقاید سلفیه و وهابی تأسیس و تلاش زیادی برای گسترش جریان لشکر جهاد در سراسر اندونزی کرد. وی به شدت ضد شیعه بود و در سال ۲۰۱۳ اعلام کرد که علیه شیعیان اندونزی اعلام جهاد خواهد کرد.

لشکر جهاد با هدف اعزام مبارزان به مناطق درگیری میان مسلمانان و مسیحیان، به ویژه در آمبون، تشکیل شد و به سرعت بیش از ۱۳۰۰ داوطلب را به این منطقه اعزام کرد. در حادثه‌ای که در یکی از روستاهای آمبون اتفاق افتاد، ده‌ها مرد نقابدار با اسلحه، نارنجک و خنجر به مسیحیان حمله کردند و حدود ۳۰ خانه و یک کلیسا را به آتش کشیدند و حداقل ۱۲ مسیحی را کشتند، اما لشکر جهاد دخالت خود را در این حادثه تکذیب کرد. این

¹ FKAJW

سازمان متهم به شرکت در اولین بمب‌گذاری شهر بالی در سال ۲۰۰۲ نیز بود (Masjid Diganggu Syiah, 2013; Fox, 2004: 16–18; Francisco, 2015: 7–8).

افزون بر اقدامات نظامی، این گروه از ابزارهای رسانه‌ای برای ترویج ایدئولوژی جهاد و بسیج عمومی استفاده کرد و در کنار آن، خدمات اجتماعی مانند کمک‌های پزشکی و حمایت مالی از خانواده‌های نیروهایش ارائه داد. پس از فروکش کردن درگیری‌ها در آمبون، فعالیت‌های لشکر جهاد به مناطق دیگری چون پوسو در سولاوسی مرکزی منتقل شد. همچنین نام این گروه در ارتباط با بمب‌گذاری بالی در سال ۲۰۰۲ مطرح شد. هرچند جعفر عمر طالب همان سال اعلام انحلال رسمی سازمان را کرد، با وجود این، شبکه‌های آموزشی و مذهبی آن به فعالیت ادامه دادند و نفوذ آن تا سال‌های بعد پابرجا ماند. وی در سال ۲۰۱۹ درگذشت (Fox, 2004: 16–18; Francisco, 2015: 7–8).

۴/۶. جماعت اسلامی^۱ (شبکه نگرکی)^۲

جماعت اسلامی (JI) در ژانویه ۱۹۹۳ به رهبری عبدالله سونگکار، به‌عنوان انشعابی از گروه دارالاسلام شکل گرفت، این سازمان با الهام از اندیشه‌های عبدالله عزام، ایمن الظواهری و اسامه بن لادن، پیوند نزدیکی با جماعت اسلامی مصر و شبکه القاعده برقرار کرد (Mufid, 2011)، انتخاب نام «جماعت اسلامی» بازتابی از تغییر هویت و راهبردی بود که هدف آن گسترش نفوذ جهادی به آسیای جنوب شرقی و تلفیق ایدئولوژی‌های خاورمیانه‌ای با زمینه اجتماعی-دینی اندونزی بود،

پس از مرگ سونگکار در ۱۹۹۹، ابوبکر باعشیر رهبری JI را بر عهده گرفت و فعالیت‌های این سازمان را توسعه داد، او در سال ۲۰۰۰ در یوگیاکارتا «مجلس مجاهدین اندونزی» را بنیان نهاد که هدف آن ترویج اجرای شریعت، ایجاد حکومت اسلامی و احیای خلافت بود، باعشیر به‌عنوان «امیر» این جریان انتخاب شد و توانست شبکه‌ای گسترده از گروه‌های اسلام‌گرای منطقه‌ای و فراملی را به هم پیوند دهد (Temby, 202:6)،

بسیاری از عملیات‌های تروریستی در آسیای جنوب شرقی، توسط اعضای شبکه جماعت اسلامی (JI) صورت گرفته است، شبکه‌ای که روابط آشکاری با القاعده و دیگر گروه‌های اسلام‌گرای تندرو در کشورهای منطقه، از

^۱ JI

^۲ Ngruki Network

جمله مالزی، جنوب فیلیپین و اندونزی داشته است، این ارتباطات شامل همکاری با گروه‌هایی مانند کمپک،^۱ فکتا^۲ در پالمبانگ و جماعت توحید و جهاد و لشکر جندالله می‌شد،

از جمله اقدامات شاخص این گروه در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ می‌توان به بمب‌گذاری در کلیساهای مختلف در چند شهر اندونزی، انفجار در جزیره بالی، حمله به هتل ماریوت^۳ در جاکارتا و بمب‌گذاری در سفارت استرالیا در اندونزی اشاره کرد، این اقدامات تروریستی، خسارات جانی و مالی گسترده‌ای به بار آورد و بازتاب‌های بین‌المللی قابل توجهی داشت،

II علاوه بر اقدامات میدانی، از ابزارهای تبلیغاتی گسترده استفاده کرد، انتشار بیانیه‌های رسمی، تولید کتاب و مقاله، و بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی و محتوای دیجیتال، بخشی از راهبرد این گروه برای جذب نیرو و مشروعیت‌بخشی ایدئولوژیک بود،

اختلافات داخلی در «مجلس مجاهدین» سبب شد باعشیر در سال ۲۰۰۸ گروه جدیدی به نام «جماعت انصارالتوحید (JAT)» را پایه‌گذاری کند، او دلیل جدایی خود را مخالفت با رهبری جمعی دانست و آن را برخاسته از اندیشه‌های سکولار معرفی کرد، در سال ۲۰۱۱، وی به اتهام حمایت از اردوگاه آموزشی مرتبط با تروریسم به ۱۵ سال زندان محکوم شد، اما در ۲۰۲۱ با تخفیف مجازات آزاد گردید-18:2023 (Sukabdi, 2023:18-19, Jha, 2021, Francisco, 2015:3-5).

۵/۶. جماعت انصارالدوله^۴

گروه «جماعت انصارالدوله» در سال ۲۰۰۵ در چارچوب جبهه مدافعان اسلام (FPI) و به رهبری زین الانصاری تأسیس شد. در ابتدا فعالیت آن مشابه FPI بود و بیشتر بر اجرای امر به معروف و نهی از منکر با روش‌های خشونت‌آمیز تمرکز داشت. با این حال، رادیکالیزه شدن تدریجی و ارتباط با تروریست‌های برجسته

¹ KOMPAK

² FAKTA

³ JW Marriott

⁴ JAD

مالزی، مانند دکتر ازهری و نوردین محمد تاپ، موجب طرد رسمی آن از سوی رهبری مرکزی FPI در ۲۰۱۰ گردید.

گفته می‌شود این گروه در حملات ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ در جاکارتا، بمب‌گذاری در کلیسای ساماریندا در سال ۲۰۱۶، بمب‌گذاری‌های سورابایا در سال ۲۰۱۸ و بمب‌گذاری‌های کلیسای جولو در سال ۲۰۱۹ - که داعش مسئولیت هر دو حمله را بر عهده گرفت - نقش داشته است. این سازمان که با خلیفه داعش بیعت کرده بود، در سال ۲۰۱۸ از سوی دولت غیرقانونی اعلام شد. با این حال، به دلیل ویژگی ساختاری خاص گروه، مقابله کامل با آن دشوار بوده است.

این سازمان از الگوی «سلول‌های خودمختار» پیروی می‌کند؛ به گونه‌ای که اعضا به‌طور مستقل عمل می‌کنند و اغلب حتی یکدیگر را نمی‌شناسند. این ساختار موجب می‌شود، اولاً در صورت شناسایی یا دستگیری یک عضو، دیگر سلول‌ها در معرض خطر قرار نگیرند و ثانیاً امکان اجرای چند حمله هم‌زمان در مناطق مختلف کشور افزایش یابد.

در حال حاضر، زین الانصاری و امان عبدالرحمن، دو تن از چهره‌های کلیدی این گروه، به اتهام دست داشتن در فعالیت‌های تروریستی، در زندان به‌سر می‌برند. با وجود این، فعالیت‌های پراکنده‌ی گروه همچنان ادامه دارد و تهدیدی مستمر برای امنیت داخلی اندونزی به‌شمار می‌رود (Hadirin, 2021; Faisal, 2013; Supriyanto, 2013; Arnaz, 2019).

۷. حضور داعش در اندونزی

حضور داعش در اندونزی از سال ۲۰۱۴ و هم‌زمان با اعلام خلافت ابوبکر البغدادی به‌طور علنی آغاز شد، هرچند برخی گروه‌های تندرو این کشور از ۲۰۱۲ تحولات سوریه را حمایت می‌کردند. مظاهر نخستین این حمایت شامل انتشار اعلامیه‌های داعش در مسجد محمد رمضان در بکاسی، برگزاری تظاهرات در جاکارتا، بیعت عمومی در دانشگاه اسلامی دولتی جاکارتا (UIN) و تجمعات مشابه در شهرهایی چون سولو، ماکاسار، آمبون و کالیمانتان شرقی بود.

در همین سال، امان عبدالرحمان، رهبر جماعت انصارالدوله (JAD)، در زندان بیعت خود را با داعش اعلام و دیگر مسلمانان را به پیروی فراخواند. برآوردها نشان می‌دهد که تا اوت ۲۰۱۴ حدود دو هزار اندونزیایی با این

گروه بیعت کردند، هرچند بخشی از آنان شناخت دقیقی از ماهیت و پیامدهای این سازمان نداشتند (Samuel, 2016: 27–29; Francisco, 2015: 8–11).

ظهور داعش تأثیری چندلایه بر فضای افراط‌گرایی اندونزی داشت. نخست، موجب احیای گروه‌های نیمه‌فعال و جذب نیروهای جدید شد. دوم، به افزایش حمایت مردمی از جریان‌های تندرو کمک کرد و سوم، شکاف‌هایی را میان رهبران افراطی ایجاد کرد. همچنین، بازیگران جدیدی همچون سانتوسو (رهبر مجاهدین اندونزی شرقی)، بهرام‌شاه (رهبر مجاهدین اندونزی غربی)، بحرالنعم و سالم مبارک التمیمی (از گروه ابوجندل) در این دوره ظهور یافتند.

از سال ۲۰۱۴، برخی افراط‌گرایان اندونزی برای پیوستن به داعش به عراق و سوریه رفتند. طبق آمار رسمی، تا پایان ۲۰۱۵ حدود ۱۲۹ نفر از آنان کشته شدند. بازگشت برخی از این نیروها، تهدیدی جدی برای امنیت داخلی محسوب می‌شد، زیرا آنان توانایی انتقال تجربیات نظامی و ایدئولوژیک به گروه‌های محلی را داشتند و می‌توانستند در آموزش، عضوگیری و اجرای عملیات‌های تروریستی نقش محوری ایفا کنند. با این حال، همه گروه‌های افراطی اندونزی با داعش همسو نشدند. جماعت انصارالشریعه و مجلس مجاهدین اندونزی، که پیش‌تر پیوند نزدیکی با القاعده داشتند، نفوذ داعش را نپذیرفتند و وفاداری خود را به القاعده حفظ کردند. بدین ترتیب، ظهور داعش ضمن تقویت جریان‌های نوظهور، به تجزیه و بازآرایی منظومه افراط‌گرایی در اندونزی نیز انجامید (Samuel, 2016: 36–37; Francisco, 2015: 8–11).

۸. تحولات اخیر در سازمان‌های افراطی (از ۲۰۰۹ به بعد)

در بررسی تحولات اخیر گروه‌های افراطی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۸/۱. ظهور پدیده حمله انتحاری خانوادگی

تا پیش از سال ۲۰۱۸، حملات انتحاری عمدتاً توسط مردان جوان، به‌صورت انفرادی یا در قالب هسته‌های کوچک عملیاتی صورت می‌گرفت. اما در این سال، جماعت انصارالدوله (JAD) روش جدیدی را در پیش گرفت که از آن به‌عنوان انتحار خانوادگی یاد می‌شود. برای نمونه، در شهر سورابایا واقع در جاوه شرقی، یک خانواده شش نفره از اعضای JAD با جلیقه‌های انفجاری، به‌طور همزمان به سه کلیسا در روز یک‌شنبه حمله کردند. پس از این واقعه، نمونه‌های مشابه دیگری نیز ثبت شد.

علل اتخاذ این شیوه جدید را می‌توان در چند عامل خلاصه کرد: کاهش احتمال شناسایی توسط نیروهای امنیتی، چرا که ارتباطات خانوادگی کمتر تحت نظارت قرار می‌گیرد؛ تسهیل در جذب فرزندان به دلیل سلطه فرهنگی پدرسالارانه و تبعیت بی‌چون و چرای فرزندان از والدین؛ ایجاد تعهد عاطفی و روانی قوی‌تر در انجام عملیات، به دلیل مشارکت هم‌زمان تمامی اعضای خانواده؛ و بالاخره افزایش احتمال موفقیت عملیات، به دلیل هماهنگی کامل میان اعضای خانوادگی (Jones, 2018; Radical Islam in Indonesia, 2023; Yumitro, 2023: 235).

۸/۲. استقلال عملیاتی هسته‌های تروریستی

یکی دیگر از تحولات مهم، گرایش گروه‌های افراطی به فعالیت در قالب هسته‌های مستقل و غیرمتمرکز است. برخلاف شبکه‌های گسترده و سلسله‌مراتبی که در گذشته رایج بود، هسته‌های جدید اغلب به صورت خودگردان فعالیت می‌کنند. مزیت‌های راهبردی این رویکرد برای افراط‌گرایان عبارت بود از افزایش امنیت عملیاتی از طریق کاهش ریسک نفوذ اطلاعاتی و لو رفتن شبکه، افزایش انعطاف‌پذیری تاکتیکی در انتخاب اهداف و شیوه‌های حمله و بالاخره کاهش آسیب‌پذیری ساختاری در برابر ضربات امنیتی دولت (Radical Islam in Indonesia, 2023).

۸/۳. تغییر در اهداف در حملات خشونت‌آمیز

به نظر می‌رسد برخلاف گذشته، عموم هسته‌های تروریستی، هدف حملات خود را تغییر داده‌اند. پیش از این، اهداف عمدتاً عبارت بودند از شهروندان غربی و نیز مراکزی همچون سفارت‌خانه‌های غربی، کلوپ‌های شبانه و هتل‌هایی که غالباً یا به غریبان تعلق داشت و یا غریبان در آن حضور می‌یافتند. لیکن از سال ۲۰۱۰ به بعد، حملات بیشتر متوجه مراکز دولتی و یا غیردولتی اندونزی شده است (Radical Islam in Indonesia, 2023).

۹. تاب‌آوری اندونزی در برابر افراط‌گرایی خشونت‌آمیز

۲۶ با وجود تنوع و گستره فعالیت‌های گروه‌های افراط‌گرا، اندونزی به‌ویژه در دوره معاصر، برخوردی منفعلانه نداشته است. این کشور با بهره‌گیری از ظرفیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی خود، تاب‌آوری چشمگیری در مقابله با تروریسم از خود نشان داده و در مهار افراط‌گرایی پیشرفت‌های قابل توجهی داشته است.

۹/۱. عوامل مؤثر در تاب‌آوری اندونزی در برابر تروریسم

الف. اصول پانچاسیلا و قانون اساسی کشور

یکی از مهم‌ترین بنیان‌های سیاسی که زمینه تاب‌آوری اندونزی را در برابر افراط‌گرایی فراهم کرده است، اصول پنج‌گانه پانچاسیلا است. این اصول، که به‌عنوان فلسفه سیاسی و ایدئولوژی رسمی اندونزی شناخته می‌شوند، علی‌رغم برخی نارسایی‌ها و عدم پایداری کامل دولت‌های پیشین نظیر سوکارنو و سوهارتو، بر مدارا، تساهل دینی و پذیرش تنوع قومی تأکید دارند. در کنار آن، قانون اساسی سال ۱۹۴۵ نیز با تضمین حقوق سیاسی و مدنی گروه‌های مختلف قومی و مذهبی و تأکید بر حل مسالمت‌آمیز منازعات، بستری مناسب برای مشارکت سیاسی مسالمت‌آمیز فراهم ساخته است (Jamhari, 2022: 522-523).

ب. نظام چندحزبی

نظام چندحزبی که پس از سقوط سوهارتو به اجرا درآمد، این امکان را فراهم کرد تا طیف متنوعی از احزاب، از جمله احزاب اسلام‌گرا، در فرایندهای دموکراتیک مشارکت داشته باشند. این نظام نه تنها فرصت ابراز خواسته‌های اسلامی در چارچوب قانون اساسی را مهیا کرد، بلکه موجب کاهش گرایش گروه‌ها به اقدامات خشونت‌آمیز شد. برای نمونه، حزب عدالت و رفاه (PKS) توانست در انتخابات شرکت کرده، به موفقیت‌های سیاسی دست یابد و حتی در مقاطعی ریاست مجلس را نیز در اختیار گیرد (Jamhari, 2022: 528-530).

ج. نقش سازمان‌های مدنی مخالف افراط‌گرایی

دو نهاد از مهم‌ترین سازمان‌های اسلامی مردمی که به شکل‌های مختلف، پیوسته مخالفت خود را با تندروی و خشونت ابراز کرده‌اند، نهضت‌العلماء و محمدیه^۱ هستند. این دو سازمان تلاش کرده‌اند چهره‌ای از اسلام را ترویج دهند که حقوق افراد و ادیان دیگر را به رسمیت می‌شناسد. هرچند برخی گرایش‌های تندرو سعی کرده‌اند در این سازمان‌ها رسوخ کرده و تأثیرگذار باشند، اما در مجموع توفیق چندانی نداشته‌اند (Wahid, 2008: 35-40; Brown & Cheng, 2007: 11-12).

^۱ سازمان محمدیه که با رویکردی مدرن در سال ۱۹۱۲ تأسیس شد، حدود ۳۰ میلیون عضو دارد و اعضای آن عمدتاً در مناطق شهری متمرکز هستند. این سازمان دارای شبکه گسترده‌ای از مؤسسات آموزشی دانشگاهی و خدمات اجتماعی از قبیل بیمارستان‌ها، یتیم‌خانه‌ها، و برنامه‌های خدمت‌رسانی دیگر به مردم می‌باشد.

علاوه بر این، مجلس علمای اندونزی^۱ در سال ۲۰۰۴ با صدور فتوایی، تروریسم را غیرقانونی اعلام کرد و در ادامه با برگزاری برنامه‌های آشتی در مناطق بحرانی، تلاش نمود از گسترش افراط‌گرایی جلوگیری کند (Mufid, 2011). همچنین، مجمع برادری شورای علمای اندونزی^۲، متشکل از رهبران سازمان‌های اسلامی بزرگ، در سال ۲۰۱۴ به‌صراحت با داعش مخالفت نمود و حمایت خود را از دولت در مقابله با این گروه اعلام کرد. حتی برخی سازمان‌های افراط‌گرا مانند مجلس مجاهدین اندونزی^۳، حزب التحریر و شورای تبلیغات اسلامی نیز داعش را مردود دانسته و آن را ساخته و پرداخته سرویس‌های اطلاعاتی غربی برای تفرقه در جهان اسلام معرفی کردند (Samuel, 2016: 51-52, 68).

د. حمایت گسترده مردم از نظام سیاسی موجود

مطالعات میدانی نشان می‌دهند که اکثریت قاطع مردم اندونزی با افراط‌گرایی مخالف‌اند. بر اساس نظرسنجی ملی در سال ۲۰۱۷، تنها ۹ درصد از مسلمانان از گروه‌های رادیکال و خشونت‌طلب حمایت کرده‌اند. در همان سال، ۷۹/۳ درصد از شرکت‌کنندگان، جمهوری اندونزی را بهترین شکل حکومت دانسته و خواهان مقابله با افراط‌گرایی بوده‌اند. تنها ۹/۲ درصد خلافت اسلامی را گزینه برتر می‌دانستند و فقط ۲/۷ درصد از داعش حمایت می‌کردند. نظرسنجی دیگری در سال ۲۰۱۹ نشان داد که ۸۶/۵ درصد از مسلمانان، پانچاسیلا را بهترین چارچوب ایدئولوژیک می‌دانند و تنها ۴ درصد مخالف آن بوده‌اند (Jamhari, 2022: 521; Adyatama, 2019). به نظر می‌رسد یکی از دلایل این رویکرد عمومی، روحیه مسالمت‌آمیز و فرهنگ صلح‌طلبانه جامعه اندونزی باشد.

ه. اقدامات دولت در مبارزه با افراط‌گرایی

دولت در دو دهه اخیر فعالیت‌های مختلفی بر ضد افراط‌گرایی همچون شناسایی، نظارت بر فعالیت‌ها و برخورد با گروه‌های مسلمان افراطی را در صورت تخلف از خط قرمزهای امنیتی، جزو اولویت‌های خود قرار داده و در

^۱ مجلس العلمای اندونزی (MUI) سازمانی غیردولتی است که در سال ۱۹۷۵ در جاکارتا تأسیس شد و اعضای آن از علمای سازمان‌هایی همچون نهضت‌العلماء، محمدیه و برخی گروه‌های کوچک‌تر تشکیل شده است. وظیفه اصلی این نهاد، اظهار نظر در امور دینی، صدور فتوا درباره مسائل مختلف شرعی است.

^۲ FU-MUI

^۳ MMI

همین راستا ده‌ها مظنون تروریستی را کشته، و صدها نفر و به‌خصوص رهبران گروه‌های تروریست را دستگیر کرده است. افزون بر این با جرم انگاری تروریسم، بالا بردن کارآیی پلیس و همکاری با برخی از سیستم‌های اطلاعاتی خارجی سعی کرده است تروریسم در اندونزی را مهار کند.

دولت در سپتامبر ۲۰۱۴، با وضع دستورالعملی سعی کرد نظارت بیشتری برای مواردی همچون سفر شهروندان اندونزیایی به غرب آسیا برای پیوستن به داعش و بازگشتشان به اندونزی، سفر خارجیانی که قصد سفر به اندونزی داشتند، زندان‌های محل نگهداری تروریست‌ها به‌خصوص مکان‌هایی که معمولاً بیعت با داعش در آنها انجام می‌شد، داشته باشد. افزون بر این به تشدید اقدامات تنبیهی بر ضد افرادی که در فعالیت‌های تروریستی شرکت دارند پرداخت و سعی کرد در مناطقی همچون آمبون، پوسو، جاوه شرقی و جاوه مرکزی که گروه‌های تندرو در آن مکان‌ها حضور بیشتری داشتند امنیت بیشتری برقرار کند. ضمن این که به ترغیب رهبران دینی برای ابراز مخالفت با افراطی‌گری پرداخت تا بدینوسیله شعارها و تبلیغات داعش خنثی و یا کم اثر گردد.

قانون ضد تروریسم پارلمان اندونزی در سال ۲۰۱۸ نیز به نوبه خود توانست دولت را در مهار تروریسم کمک کند. با این قانون دولت می‌توانست مظنونان را به‌طور پیشگیرانه برای مدت طولانی (از ۲۱ تا ۲۰۰ روز) بازداشت کند و برخی از خشونت‌طلبان را به جرم‌هایی متهم کند که جرمه آنها زندان‌های طولانی مدت (تا ۲۰ سال) بود. در همین سال، ارتش نیز در مقابله با جریان‌های تروریستی فعال گردید و شدت برخورد به حدی بود که سازمان عفو بین‌الملل نگرانی عمیق خود را از تضعیف حقوق بشر در اندونزی اعلام کرد. البته بعداً نقش ارتش کم‌رنگ تر گردید. (Radical Islam in Indonesia, 2023) (Samuel, 2016: 61-63)

۱۰. وضعیت فعلی و چالش‌های موجود در مقابله با افراط‌گرایی

اگرچه اندونزی در دهه‌های اخیر پیشرفت‌های قابل‌توجهی در مقابله با تروریسم داشته و از شدت حملات تروریستی در مقیاس بزرگ به‌طور چشمگیری کاسته شده است، اما همچنان با چالش‌هایی جدی در سطح عملیات کوچک‌تر و زیرزمینی مواجه است. این فعالیت‌های محدود که عمدتاً در قالب هسته‌های پراکنده و مستقل صورت می‌گیرند، به‌دلیل ماهیت پنهان‌کارانه و مقیاس کوچک، شناسایی و مقابله با آن‌ها دشوار است.

افزون بر این، بسترهای بالقوه‌ای برای احیای مجدد افراط‌گرایی همچنان پابرجاست؛ از جمله وجود مؤسسات آموزشی دینی با گرایش‌های تندرو، پلتفرم‌های اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی که در زمینه آموزش، جذب و

سازماندهی نیروهای افراطی، تبلیغ ایدئولوژی‌های خشونت‌طلب و تشویق فرقه‌گرایی نقش فعالی ایفا می‌کنند.

(Jamhari, 2022, 533-534)

یکی دیگر از چالش‌های نگران‌کننده، کاهش نفوذ سازمان‌های اسلامی میانه‌رو نظیر نهضت‌العلماء و محمدیه در سطوح محلی، به‌ویژه در شهرها و روستاهاست. مطالعات اخیر نشان می‌دهد که قدرت بسیج مذهبی و نفوذ اجتماعی این سازمان‌ها، به‌ویژه در حوزه سیاست، رو به کاهش گذاشته و در برخی مناطق جای خود را به گروه‌هایی چون حزب‌التحریر، انجمن جامعه اسلامی^۱ و دیگر جریان‌های رادیکال داده است (Bush, 2014). نمونه بارز این تحول، تظاهرات گسترده اواخر سال ۲۰۱۶ و اوایل ۲۰۱۷ علیه فرماندار وقت جاکارتا - که فردی چینی‌تبار و مسیحی بود - به اتهام توهین به اسلام است. در حالی که رهبران نهضت‌العلماء و محمدیه از حمایت رسمی از این تظاهرات خودداری کردند، برخی از اعضای این دو نهاد، همراه با گروه‌های افراطی، در تجمعات شرکت جستند (Syechbubakr, 2017; Jamhari & Testriono, 2022).

افزون بر این، تداوم برخی عوامل زمینه‌ساز افراط‌گرایی - نظیر فقر، بیکاری، نابرابری اجتماعی، فساد ساختاری و نیز نفوذ گفتمان‌های سلفی وارداتی از غرب آسیا - همچنان تهدیدی بالقوه برای احیای مجدد افراط‌گرایی به‌شمار می‌رود. از این‌رو، در کنار اقدامات امنیتی، لازم است سیاست‌های جامع‌تری در حوزه‌های توسعه اجتماعی، عدالت اقتصادی، اصلاحات دینی و آموزش عمومی اتخاذ شود تا ریشه‌های اجتماعی و ایدئولوژیک افراط‌گرایی به‌طور پایدار مهار گردد.

۱۱. راهکارهایی برای مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌آمیز در اندونزی

مقابله مؤثر با افراط‌گرایی خشونت‌آمیز و تروریسم در اندونزی، مستلزم رویکردی چندسطحی و جامع است. در وهله نخست، ضروری است که علل و زمینه‌های ساختاری و اجتماعی شکل‌گیری افراط‌گرایی نظیر فقر، بیکاری، نابرابری‌های اجتماعی، فساد ساختاری و فعالیت جریان‌های تندرو خارجی، به‌صورت ریشه‌ای مورد توجه قرار گیرد. بدون حل این بسترهای زمینه‌ساز، هرگونه اقدام امنیتی یا بازدارنده، صرفاً جنبه مقطعی خواهد داشت و پایداری نخواهد یافت.

¹ FUI

در مرحله دوم، طراحی و اجرای یک «استراتژی یکپارچه ضدتروریسم» ضرورت دارد؛ راهبردی که شامل محور اصلی زیر باشد:

۱. پیشگیری از وقوع جرم و جذب در مراحل اولیه؛
 ۲. ارتقای توان و کارآمدی نهادهای امنیتی و قضایی در مقابله با تهدیدات بالفعل؛
 ۳. برخورد قاطع و قانونی با عاملان و حامیان تروریسم؛
 ۴. امکان بازاجتماعی سازی و بازگرداندن مجرمان به زندگی عادی در جامعه.
- تحقق چنین راهبردی، مستلزم هماهنگی و هم افزایی میان نهادهای سیاسی، حقوقی، امنیتی، فرهنگی و دینی در سطح حاکمیت است همچنین، تقویت تعامل و همکاری دولت با نهادهای مدنی و دینی غیردولتی نقشی اساسی در گسترش گفتمان ضدافراطی دارد.
۵. افزون بر این ها ضروری است روابط فرهنگی، آموزشی و دینی با نهاد ها و کشورهای اسلامی معتدل مسلمان و مخالف تروریسم همچون جمهوری اسلامی ایران گسترش یابد به گونه ای که موجب طرد جریان های خارجی افراطی فعال در اندونزی شود.

۱۲. نتیجه‌گیری

پدیده افراط‌گرایی معاصر اندونزی ناشی از عوامل داخلی و خارجی متعددی است، از جمله عدم آزادی سیاسی اسلام‌گرایان و سرکوب آنان توسط حکومت‌های سوکارنو و سوهارتو، مشکلات و محرومیت‌های اقتصادی عده زیادی از مردم، فساد دولتی در زمان این دو دولت، ضعف دولت در اجرای قانون و حل تعارضات اجتماعی، نارضایتی و نفرت از سیاست‌های قدرت‌های غربی در کشورهای اسلامی و عدم واکنش مناسب از سوی دولت اندونزی، پیوند برخی گروه‌های تندرو با شخصیت‌های عرب تبار جهادی، حمایت مالی عربستان از گروه‌های افراطی، تأثیر متفکران و جنبش‌های تندرو مسلمان در سایر کشورها، گسترش و تبلیغ تفسیر افراط‌گرایانه از متون دینی و

در دوره معاصر، گروه‌های افراطی فراوانی از جمله جماعت اسلامی، لشکر جهاد، جماعت انصار الدوله و مجموعه‌ای از عملیات تخریبی و تروریستی را شکل دادند و با ظهور داعش در سال ۲۰۱۴ و پس از اعلام ابوبکر البغدادی به عنوان رهبر آن، عده‌ای از این گروه‌ها از آن حمایت کردند و با آن به همکاری پرداختند، اگرچه برخی دیگر از این گروه‌ها همچنان به القاعده متعهد بودند در طول این سال‌ها تحولاتی در این گروه‌ها پدید آمده است که از آن جمله می‌توان به پیدایش روش حمله انتحاری خانوادگی، استقلال عمل هسته‌های تروریستی از یکدیگر و تغییر اهداف در حملات خشونت بار اشاره کرد اما اندونزی در برابر این حجم از خشونت و چالش‌های ناشی از آن در طول این سال‌ها تاب‌آوری قابل توجهی داشته است و پیشرفت‌های چشمگیری در زمینه مبارزه با تروریسم بدست آورده است به گونه‌ای که اخیراً فعالیت‌های افراط‌گرایانه و خشونت‌آمیز تنها در موارد اندکی و آن هم در مقیاس‌های کوچک اتفاق افتاده است دلایل این موفقیت را می‌توان در اموری همچون بکارگیری نظام چند حزبی، فعالیت‌های سازمان‌های اسلامی و مدنی مخالف افراط‌گرایی، حمایت اکثریت قاطع مردم از نظام موجود، فعالیت‌های دولت بر ضد افراط‌گرایی و برخی علل دیگر جستجو کرد

با این حال، هنوز بیش و کم عوامل محرک افراط‌گرایی وجود دارند فقر، بیکاری، نابرابری اجتماعی، فساد دولتی، کاهش تاثیرگذاری سازمان‌های غیردولتی ضد افراط‌گرایی مانند نهضت العلما و محمدیه، وجود برخی از مؤسسات آموزشی دینی، پایگاه‌های اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی فعال در آموزش، بکارگیری افراد، ترویج اندیشه‌های افراط‌گرایانه و فرقه‌گرایی و هماهنگی میان گروه‌های افراطی از جمله این عوامل اند بنابراین احتمال

رشد مجدد افراطی گری در آینده را نمی توان از نظر دور داشت و در نتیجه این امر نیازمند رسیدگی و توجه مستمر می باشد.

مقابله مؤثر با افراط گرایی خشونت آمیز در اندونزی نیازمند رویکردی جامع و چندلایه است که هم به ریشه های اجتماعی مانند فقر، نابرابری و فساد توجه کند و هم از طریق تدوین یک استراتژی یکپارچه ضد تروریسم، به پیشگیری، برخورد قانونی، تقویت نهادهای امنیتی و باز اجتماعی سازی بپردازد تحقق این راهبرد نیازمند هماهنگی بین نهادهای دولتی و همکاری با نهادهای مدنی و دینی است همچنین، تقویت روابط فرهنگی و دینی با کشورهای اسلامی معتدل، همچون ایران، در طرد جریان های رادیکال خارجی نقش مهمی دارد.

فهرست منابع

منابع فارسی

۱. خادمی، سیدمحمدحسن، ظهور اسلامی گرایي رادیکال در اندونزی، (۱۳۹۳)، در "مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام"، ج ۱، ۴۲۳ تا ۴۵۲.
۲. ربانی، محمدعلی، (۱۳۹۴)، "از صوفی گری تا افراطی گری: افراط گرایي دینی در اندونزی و تاثیر آن بر سنت گرایان صوفی مسلک"، فصلنامه روابط فرهنگی، سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۹۴.
۳. لاپیدوس، ایرا ام، (۱۳۷۶)، تاریخ جوامع اسلامی: قرن نوزدهم و بیستم، ترجمه محسن مدیرشانه چی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ج ۱ و ۲.
۴. نوئر، دلپار، (۱۳۷۰)، نهضت های نوین اسلامی در اندونزی، ترجمه ایرج رزاقی و محمد مهدی حیدرپور، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.

منابع انگلیسی

1. Adyatama ,Egi, (2019)“Indonesia’s Muslim Majority Embraces Pancasila, Says LSI Survey”*Tempoco*, November 4, 2019 Available from: <https://entempoco/read/1268017/indonesias-muslim-majority-embraces-pancasila-says-lsi-survey>
2. Ahmad, Nadzrah, (2019), “Indonesian Islam During the Reign of Colonialism (1600-1942)”, *Journal of Islam in Asia*, Vol16, 237-257
3. Arnaz, farouk (13 October 2019) "Teroris Gaya Baru JAD: Spontan, Instan, dan Random" *beritasatucom* (in Indonesian) Retrieved 7 April 2021:
4. <https://www.beritasatucom/news/579641/teroris-gaya-baru-jad-spontan-instan-dan-random>
5. Brown, Deborah A, and Tun-jen Cheng 2007 *Southeast Asian Religious Organizations and Democratic Consolidation: A Conceptual Framework and Case Studies in Indonesia and Thailand* East Asia Institute:
6. *Organizations and Democratic Consolidation: A Conceptual Framework and*
7. *Case Studies in Indonesia and Thailand* East Asia Institute:
8. http://www.eaiorkr/data/bbs/eng_report/2009052018272948pdf
9. Bruinessen, Martin van, (2008), “*Liberal and progressive voices in Indonesian Islam Reformist voices of Islam: mediating Islam and modernity*”, Shireen T Hunter (ed), Armonk, New York, Routledge

10. Bruinessen, Martin van, (2009) Genealogies of Islamic Radicalism in post-Suharto Indonesia In J C Liow, & N Hosen (Eds), *Islam in Southeast Asia : critical concepts in Islamic studies*, vol IV: *The Myth of the 'Second Front': Muslim Southeast Asia and the War on Terror* (pp 35-66) Routledge
11. Bush, Robin 2014 *A Snapshot of Muhammadiyah Social Change and Shifting Markers of Identity and Values* Singapore: Asia Research Institute Working Paper Series
12. Costa , Agustinus Beo Da & Lamb, Kate, (2020) *Indonesia bans hardline Islamic Defender's Front group*, Retrieved 30 December 2020
13. Dipa, Arya, 2017, *Petition calls for disbandment of FPI*, *The Jakarta Post*
14. Faisal, Achmad (12 August 2013) "FPI Jatim: FPI Lamongan Sudah Tidak Ada" KOMPAScom (in Indonesian) Retrieved 7 April 2021
15. Fox, James J, (2004) "Currents in Contemporary Islam in Indonesia", paper presented at Harvard Asia Vision 21 29 April – 1 May, Cambridge Mass,
16. Francisco, Galamas, (2015), *Terrorism in Indonesia: An Overview* , Research Papers 04/2015 :
https://www.ieeees/Galerias/fichero/docs_investig/2015/DIEEEINV04-2015_Terrorismo_en_Indonesia_FcoGalamas_ENGLISHpdf
17. Hadirin, Kharis (28 January 2021)
<https://ruangobrolid/tokoh/ro3170e475594581d836/zainal-anshori-dari-ketua-fpi-lamongan-faksi-hingga-amir-jad>
18. Hardjakusumah, Cherika, 'FPI: Rising Radical Movement in Indonesia' *Future Direction International* (20 June 2012): <http://www.futuredirectionsorgau/publication/i-fpi-rising-radical-movement-in-indonesia/>
19. ICG(International Crisis Group) (2002) 'Indonesia backgrounder: how the Jemaah Islamiyah terrorist network operates', Asia Report, 43, 11 December [Online] Available at: [https:// www.crisisgroup.org/asia/south -east-asia/indonesia/indonesia-backgrounder-how-jemaah-islamiyah-terrorist-network-operates](https://www.crisisgroup.org/asia/south-east-asia/indonesia/indonesia-backgrounder-how-jemaah-islamiyah-terrorist-network-operates) (Accessed: 24 January 2022)
20. ICG(International Crisis Group) (2005) 'Recycling militants in Indonesia: Darul Islam and the Australian embassy bombing', Asia Report, 92, 22 February [Online] Available at: [https:// www.justicegov/file/277166/dl?inline=](https://www.justicegov/file/277166/dl?inline=)

21. Jamhari, Jamhari & Testriono, Fnu(2022) The Roots of Indonesia's Resilience Against Violent Extremism STUDIA ISLAMIKA28 2021 1036712sdiv/28i323956
22. Jenkins , David (2002), Soeharto's Komando Jihad Chickens Come Home to Roost, in: *Sydney Morning Herald* (14 October 2002), online: <www.smhcomau/articles/2002/10/14/1034222686274html> (5 January 2010)
23. Jha, Preeti "Abu Bakar Ba'asyir: Radical cleric linked to Bali bombings free" *BBC News January 8, 2021 Retrieved January 8, 20; https://www.bbcom/news/world-asia-55583154*
24. Jones, Sidney ,2018, Family Suicide Attacks:https://www.nprorg/sections/parallels/2018/05/24/613383263/family-suicide-attacks-indonesia-must-deradicalize-mothers-and-kids-too
25. "Masjid Diganggu Syiah, Jafar Umar Thalib akan Ultimatum Jihad Bekasi" *VOA-Islam (in Indonesian) July 7, 2013 Retrieved May 30, 2014;https://www.voa-islamcom/read/indonesiana/2013/07/16/25867/masjid-diganggu-syiah-jafar-umar-thalib-akan-ultimatum-jihad-bekasi/#sthashC5T9wLYidpbs*
26. Mufid, AS, Sarwono, SW, Syafii, M, Baedowi, A, Karnavian, T, Zarkasih, M and Padmo, A (2011) *Research on motivation and root causes of terrorism* Jakarta: Indonesian Institute for Society Empowerment به نقل از:
27. Muzakki, Akh "The Roots, Strategies, and Popular Perception of Islamic Radicalism in Indonesia" *Journal of Indonesian Islam*, vol 8, no 1, 2014
28. Nasution & Others,(2021), *The Spread Of Radicalism Movements In Indonesia:The State's Accoodative Political Gradation Post-Reform* Journal of Legal, Ethical and Regulatory Issues, 24 (1)
29. Noor, Irfan, (2001), *Islam Liberal Dan Tradisi pembaharuan Islam Di Indonesia*, Brill; Illustrated edition
30. Radical Islam, Islamism & Terrorism in Indonesia - Terrorist Cells – Indonesia Investments , Indonesia Investments Report - July 2023 Edition:https://www.indonesia-investmentscom/business/risks/radical-islam/item245?

31. Ramakrishna, K (2002) Jemaah Islamiah: Aims, motivations and possible counter-strategies
32. Samuel, Thomas (2016) Radicalisation in Southeast Asia: A Selected Case Study ,of Daesh in Indonesia, Malaysia and the Philippines , Malaysia and the Philippines The Southeast Asia Regional Centre for Counter-Terrorism (SEARCCT), Ministry of Foreign Affairs,MALAYSIA Kualalumpur
33. Schwarz, Adam, A nation in waiting: Indonesia in the 1990s Sydney: Allen & Unwin, 1994
34. Sukabdi, Zora (2023) Islamic radicalism in Indonesia and its development In *Contemporary Voices*,4,3, 1-31
35. Supriyanto, Agus (13 August 2013) "Tidak Diakui FPI, Ini Kata Simpatisan FPI Lamongan" Tempo Retrieved 7 April 2021
36. Syechbubakr, Ahmad Syarif, (2017), “Anti-Ahok Protests: Why Were Nahdlatul
37. Ulama and Muhammadiyah Sidelined?” *Indonesia at Melbourne*:
38. <https://indonesiaatmelbourneunimelbeduau/nu-and-muhammadiyah-sidelined-anti-ahok-protests>
39. Temby Q *Terrorism in Indonesia after “Islamic State”* ISEAS–Yusof Ishak Institute; 2021
40. Wahid, K, and C Holland Taylor (2008) “A Tradition of Tolerance in Indonesia Offers Hope” *Foreign Service Journal* 85(4): 35–40
41. Yumitro, G, Febriani, R, Roziqin, A, & Oktaviani, S (2023) New model of terrorism threat in Indonesia: East Java case study *Journal of Liberty and International Affairs*, 9(3), 234-247